



نقش دولت در کتاب‌های درسی

گردآوری: مینا ذاکر شهرکی

کتاب درسی، از قرن‌ها پیش، در ایران و جهان وجود داشته است؛ زیرا پس از پیدایش النبا و انتقال اندیشه‌ها و تجربه‌ها و یافته‌های انسانی، به صورت نوشته روی مواد گوناگون، مانند پوست جانوران و درختان و الواح گلی و انواع کاغذها، جزوه‌ها یا اسناد و نوشته‌هایی از مواد مذکور، برای آموزش و یادگیری دیگران، گردآوری و تهیه شده و برای هدف‌های گوناگون، در سطوح مختلف مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. از آن‌جا که کتاب درسی، در نظام تعلیم و تربیت و یادگیری کودکان نیز نقش به‌سزایی دارد، در این مقاله سعی شده است تاریخچه کتاب‌های درسی، چگونگی تهیه آن و نقش دولت در تدوین و توزیع آن را بررسی کنیم.

تاریخچه کتاب درسی رسمی و دولتی در ایران، به تأسیس مدرسه دارالفنون برمی‌گردد. دارالفنون، نخستین آموزشگاه و نخستین دانشگاه رسمی بود که به سبک جدید در ایران ساخته شد و کتاب‌های درسی رسمی در آن تدریس می‌شد. با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه.ق (معادل ۱۲۳۰ ه.ش و ۱۸۵۱ م) به همت میرزاتقی‌خان امیرکبیر، رشته‌هایی برای تحصیل در زمینه‌هایی چون پیاده‌نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و کان‌شناسی به وجود آمد. علاوه بر رشته‌های یاد شده، مواد اساسی چون زبان خارجه، ادبیات فارسی، علوم طبیعی، ریاضی، تاریخ و جغرافی و نقاشی نیز در آنجا تدریس می‌شد.

معلمان خارجی، در آغاز، کتاب‌های درسی را به زبان خارجی (بیش‌تر به فرانسه) تدریس می‌کردند. در همان سال‌های نخستین، معلمان ایرانی برای اولین بار، چند کتاب درسی را برای استفاده دانشجویان دارالفنون، به فارسی تألیف یا ترجمه کردند. این معلمان یا مترجمان، از میان نخستین استادان یا فارغ‌التحصیلان دارالفنون بودند. در واقع، این آغاز کار تهیه و تألیف کتاب‌های درسی، به صورت جدید در ایران بود.

دارالفنون دارای یک چاپخانه بود. نخستین کتاب‌های درسی که به خط نسخ یا نستعلیق، به وسیله خوش‌نویسان آن زمان نوشته شده بود، در همان چاپخانه به صورت چاپ سنگی تهیه و در دسترس دانشجویان و معلمان گذاشته شد. جنس کاغذ کتاب‌ها نسبتاً مرغوب بود. روی جلد بعضی دیگر از کتاب‌ها، روکش یارچهای یا چرمی به کار رفته بود.

پس از تأسیس دارالفنون که در واقع، نخستین

آموزشگاه عالی به شیوه اروپایی، از قبیل پلی تکنیک، در ایران بود و توسط دولت اداره می‌شد، چند سالی مؤسسه آموزشی دولتی دیگری، حتی در سطح ابتدایی و متوسطه به وجود نیامد، اما تأسیس مدارس ملی (در واقع خصوصی و شخصی) رونق یافت. دانش‌آموزان این مدارس را بیش‌تر کودکان و نوجوانان خانواده‌های مرفه تشکیل می‌دادند.

مهم‌ترین این مدرسه‌ها عبارت بودند از: مدرسه مشیریه (برای تدریس زبان خارجی)، مدرسه سپهسالار (برای تدریس علوم دینی) (در سال ۱۲۹۰ ه.ق). گذشته از این‌ها چند مدرسه نظامی و کشاورزی در تهران و چند مدرسه دیگر در تبریز و اصفهان نیز تأسیس شد.

در مدارس خصوصی، چون سازمان و برنامه ویژه و ثابتی وجود نداشت، هر کدام بنا به نظر و سلیقه مدیر و معلمان خود، از کتاب‌های مختلف، به عنوان کتاب درسی استفاده می‌کردند.

در سال ۱۳۲۸ ه.ق، بیش‌تر از شصت سال پس از تأسیس دارالفنون، در زمان حکومت مشروطه-خواهان، قانون اساسی «وزارت معارف» به تصویب رسید. این قانون در سال ۱۳۲۹ ه.ق (برابر با ۱۲۹۰ ه.ش)، اصلاح و بار دیگر تصویب شد. مطابق آن، همه دستگاه‌های تعلیم و تربیت دولتی و خصوصی، زیر نظارت وزارت معارف در آمد و براساس آن، تعلیمات ابتدایی برای کودکانی که هفت سال داشتند (به اصطلاح) اجباری شد. در همین مقطع زمانی، در شهرهای بزرگ، دبستان تأسیس شد.

دوره تعلیمات متوسطه نیز مانند دوره ابتدایی، شش سال تعیین و برنامه تفصیلی آن اعلام شد. در سال‌های بعد، از جمله در سال‌های ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ ه.ش، پس از پایان جنگ جهانی اول، دبستان‌ها و دبیرستان‌های دیگر نیز در تهران و

اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت.

با اشغال ایران در سال ۱۳۲۰، به وسیله نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم و ادامه اشغال تا سال ۱۳۲۴، دولت وقت و توان دادمه تألیف و چاپ کتاب‌ها را از دست داد. به همین سبب، ناشران و چاپخانه‌داران از یک سو و از سوی دیگر، مؤلفان و دبیران با سابقه و صاحب‌نظر، به تألیف و چاپ کتاب‌های گوناگون اقدام کردند. وزارت فرهنگ، به همه کتاب‌هایی که با برنامه آن مطابقت داشت، اجازه انتشار می‌داد. به سبب وجود این فضای باز و رقابت آزاد در تألیف و چاپ کتاب درسی، از یک عنوان کتاب با موضوع مشخص، کتاب‌های مشابه از جانب ناشران و مؤلفان مختلف چاپ و منتشر می‌شد. به طوری که به جای هشتاد عنوان کتاب درسی مورد نیاز برای دوره دبیرستان، حدود ۴۲۸ عنوان کتاب چاپ شده بود. در واقع، از یک عنوان کتاب با برنامه و موضوع مشخص، دو تا هفت کتاب منتشر می‌شد؛ بی‌آن‌که چندان تفاوتی با هم داشته باشند. توصیه‌ها و دوستی‌ها و روابط، در به تصویب رسانیدن و چاپ و تبلیغ کتاب، برای فروش و انتخاب آن از طرف دبیر، اصل قرار گرفته بود. ضعف مطالب بعضی از کتاب‌ها و اشتباه‌های فاحش در آن‌ها و مسائل دیگر، از مشکلات گوناگونی بود که دانش‌آموزان و اولیای آنان و دبیران با آن‌ها دست به گریبان بودند.

ادامه این رقابت آزاد، به هرج‌ومرج منتهی شد و مکاتیم بازار کتب درسی را از نظر کمی و کیفی به ابتدال کشاند.

از سال ۱۳۳۷، کتاب‌های پایه ابتدایی، به هزینه سازمان برنامه و بودجه و با مباشرت مؤسسه انتشارات فرانکلین چاپ شد و به رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. از سال ۱۳۴۳ به بعد، در برابر

شهرستان‌ها به وجود آمد. اما هم زمان با نیازها و گسترش آموزشگاه‌ها، در کتاب‌های درسی چندان تحولی صورت نگرفت. در سال ۱۳۰۰ ه.ش، یک سال پس از کودتای ۱۲۹۹، قانون «شورای عالی فرهنگ» به تصویب رسید. مطابق آن قانون، کلیه امور مدارس، مانند سازمان مدرسه‌ها، برنامه‌ها، امتحانات و تأیید صلاحیت و استخدام معلم، در سطح کشور یکسان شد و دامنه مدارس خصوصی محدودیت یافت. مؤلفان و ناشران ملزم شدند که کتاب‌های درسی را مطابق برنامه فرهنگ آن زمان تألیف و چاپ کنند. با این حال، معلمان در مواردی که کتاب به حد کافی در اختیار نداشتند، دانش‌آموزان را به جزوه‌نویسی وامی‌داشتند.

در سال ۱۳۰۷ شمسی، به دستور وزیر فرهنگ وقت (قراگوزلو، ملقب به اعتمادالدوله) و در نهم تیرماه ۱۳۰۸، بنا به تصویب نامه هیأت دولت، چاپ و تألیف کتاب‌های ابتدایی، در انحصار دولت قرار گرفت.

چون از هماهنگی و یک‌دستی کتاب‌های ابتدایی نتیجه مطلوب حاصل شد، در سال ۱۳۱۷، براساس تصویب نامه هیأت وزیران، هیأتی از استادان، دانشیاران و دبیران مطلع و علاقه‌مند، کار تهیه و چاپ کتاب‌های دبیرستانی را بر عهده گرفتند. این هیأت تألیف هر یک از مواد درسی را به گروهی از افراد با صلاحیت واگذار کرد. در نتیجه، در آن سال‌ها با سرمایه وزارت فرهنگ، با عنوان «کتاب‌وزارتی»، حدود هشتاد عنوان کتاب درسی یک‌دست و هماهنگ، از نظر شکل ظاهری و محتوا با کمیت و کیفیت بهتری نسبت به گذشته، برای دبیرستان‌ها نیز تألیف و چاپ شد. علاوه بر کتاب‌های ابتدایی و متوسطه، مستحیی از متون معتبر و شاهکارهای زبان فارسی، نظیر شاهنامه، گلستان، منطق‌البر و جز آن تهیه و چاپ شد و در

هر جلد کتاب ابتدایی، مبلغ ۵ ریال از دانش آموزان دریافت شد. در سال ۱۳۳۵، شورای عالی وزارت فرهنگ، براساس تصویب نامه‌ای، تصمیم گرفت در امر تألیف و چاپ کتاب‌های درسی، نظمی ایجاد کند، ولی به سبب شدت آشفتگی بازار کتاب درسی، گامی در این زمینه برداشته نشد.

با این که وزارت فرهنگ، طبق مصوبات ۱۸ اسفند ماه ۱۳۴۱ هیأت دولت (در زمان وزارت دکتر پرویز ناتل خانلری)، تألیف و نشر کتاب‌های درسی را خود برعهده گرفت، در اجرای ماده ۴ آن تصویب نامه، «سازمان کتاب‌های درسی ایران» به وجود آمد. همزمان با تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران در سال ۱۳۴۱، «اداره کل مطالعات و برنامه‌ها» نیز زیر نظر یکی از معاونان وزیر وقت آموزش و پرورش به وجود آمد. هدف از تأسیس این اداره، تهیه مقدمات تنظیم برنامه‌ها و طرح‌ها و ایجاد هماهنگی‌های لازم برای تغییر و دگرگونی نظام آموزشی موجود (ابتدایی و متوسطه) آن زمان و ارزشیابی برنامه‌ها و طرح‌های مورد عمل بود. این اداره در سال ۱۳۴۸، به دو بخش یا عنوان‌های «مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی» و «دفتر هماهنگی و برنامه‌ها و توسعه» مجزا شد. اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، در آغاز و مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، در سال‌های بعد، در امر برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی، با سازمان کتاب‌های درسی ایران همکاری می‌کرد.

پیش از آن که این سازمان موفق به تألیف ۱۲۰ عنوان کتاب مورد نیاز شود، کمیسیون‌های تعیین شده از سوی شورای عالی فرهنگ، کتاب‌ها را از دیدگاه و براساس ضابطه‌ها و معیارهای خود و با در نظر داشتن شرایط اجتماعی و سیاسی نظام حاکم، به عنوان تنها کتاب مجاز برگزیدند و اعلام داشتند.

به این ترتیب، تألیف و چاپ کتاب‌های درسی، به صورت یک دست و هماهنگ، از سال ۱۳۴۲ برای همه کلاس‌ها و رشته‌ها آغاز شد.

کتاب‌های ابتدایی، مانند گذشته، به وسیله مؤسسه انتشارات فرانکلین سابق، در چاپخانه بزرگ ۱۷ شهریور فعلی، متعلق به شرکت افست چاپ می‌شد و کتاب‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه، برابر قرارداد منعقد، به وسیله شرکت طبع کتاب‌های درسی ایران (مربک از ناشران و کتاب فروشان) که در ماده ۳ همان اساسنامه پیش‌بینی شده بود، چاپ و در سراسر کشور توزیع می‌شد.

یکی از قلم‌های درشت سفارش کارهای چاپی در کشور ما، چاپ کتاب‌های درسی است که علاوه بر چاپخانه‌های افست و کتاب درسی، توسط چاپخانه‌های مختلف انجام می‌شود.

حدود ۴۰-۳۰ میلیون جلد کتاب درسی، رقم قابل توجهی است که برای چندین چاپخانه کار ایجاد می‌کند. بسیاری از چاپخانه‌ها، علی‌رغم تعرفه پایین چاپ کتاب درسی، به سبب پر کردن ساعت کارشان و نیز بالا بودن تیراژ و البته به دلیل علاقه به این کار فرهنگی، پذیرای این سفارش هستند. به طوری که از مسئولان شرکت چاپ و نشر (سفارش دهنده چاپ کتاب‌های درسی به چاپخانه‌ها) شنیده می‌شود، برای چاپ کتاب‌های سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، تنها ۸۰ چاپخانه به همکاری فراخوانده شده‌اند، در حالی که سال گذشته، حدود ۱۰۰ چاپخانه فرم‌های کتاب درسی را چاپ می‌کرده‌اند.

چاپخانه‌های همکار، نقش مهمی در تولید کتاب‌های درسی دارند. همه ساله شرکت چاپ و نشر ایران، چاپ شمار قابل توجهی از کتاب‌های درسی را به چاپخانه‌های مختلف بخش خصوصی

سیداحمد حسینی، مدیر کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: «آموزش و پرورش هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری برای تولید کتاب درسی نمی‌کند و من هم شخصاً اعتقادی به این سرمایه‌گذاری ندارم و معتقدم باید این کار با سرمایه بخش خصوصی انجام شود. شرکت افست و چاپ و نشر کتاب‌های درسی، هر دو خصوصی هستند؛ یکی سهامی عام و دیگری سهامی خاص و از سال ۱۳۷۲ هم کل مسائل مالی کتاب‌های درسی، به عهده بخش خصوصی است. کاغذ کتاب‌ها را هم بخش خصوصی تأمین می‌کند. البته، «کمیته خرید کاغذ» در آموزش و پرورش، زیر نظر معاون وزیر آموزش و پرورش است و مدیران دو چاپخانه اصلی طرف قرارداد هم عضو آن هستند و از نظر تخصصی، بررسی می‌کنند که برای این تیراژ چند میلیونی، چه نوع کاغذی باید تهیه شود که به ماشین چاپ لطمه نزند. چاپخانه‌های «افست» و «چاپ و نشر کتاب‌های درسی» برای تأمین هزینه کاغذ، معمولاً وام بانکی می‌گیرند و آموزش و پرورش برای گرفتن وام، با آن‌ها همکاری می‌کند و بعضی بانک‌ها وام تکلیفی برای خرید کاغذ به آن‌ها می‌دهند، ولی برای بازپرداخت وام‌ها، خودشان متعهد می‌شوند.»

متولی تولید کتاب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است این سازمان در حقیقت، زیر نظر معاونتی تحت همین عنوان فعالیت می‌کند. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب درسی، دو نقطه اصلی تولید کتاب‌های درسی در این سازمان هستند.

دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی، در مرحله تألیف کتاب‌های درسی فعالیت می‌کند. آقای

و دولتی سفارش می‌دهد. بدیهی است به سبب حساسیت کتاب‌های درسی، از نظر کیفیت و زمان‌بندی تولید و با توجه به رنگی بودن اغلب صفحات کتاب‌ها، این سفارش به چاپخانه‌هایی داده می‌شود که توانایی انجام آن را داشته باشند (معمولاً به چاپخانه‌هایی که ماشین‌های دورنگ و چهاررنگ بدون اشکال داشته باشند). در زمان انجام کار نیز بازرسان شرکت و بازرسان آموزش و پرورش، بر چگونگی پیشرفت و کیفیت کار نظارت دارند. قراردادهای همکاری، در چارچوب آیین‌نامه‌های مربوطه منعقد می‌شود. مرتضی دانش، ناظر وزارت آموزش و پرورش، در تولید شرکت چاپ و نشر ایران، ضمن بیان این مطالب می‌گوید: «با توجه به ذخیره حدود ۱۵ میلیون جلد از کتاب‌هایی که در سال تحصیلی ۱۳۷۶ تولید شده بود، در سال ۱۳۷۷، سفارش کتاب‌های درسی به چاپخانه‌ها کاهش محسوسی داشت. اگر هر کتاب به‌طور متوسط ۱۶ فرم چاپ داشته باشد، حدود ۲۴۰ میلیون چاپ از حجم سفارش ما کم شده است. بنابراین، به جای ۱۰۰ چاپخانه، با ۸۰ چاپخانه قرارداد همکاری بستیم.»

وی کل سهم امسال چاپخانه‌های همکار را ۳۰ میلیون جلد اعلام می‌کند. معمولاً فقط چاپ کتاب‌ها به این چاپخانه‌ها واگذار شده و لیتوگرافی و صحافی آن‌ها توسط خود شرکت انجام شده است. وی درباره وضعیت کار در چاپخانه‌ها می‌گوید: «از آن جا که تعرفه چاپ کتاب‌های درسی پایین است، معمولاً در شرایط رونق، کم‌تر به سفارش‌های ارزان قیمت تمایل نشان داده می‌شود. بنابراین، چون در سال ۱۳۷۷، چنین درخواست‌هایی رو به افزایش بوده، می‌توان گفت که حجم کار در چاپخانه‌ها تا حدودی کم شده است.»

احمدی، یکی از مسئولان این دفتر، در مورد تألیف یک کتاب درسی، چنین توضیح می‌دهد: «وقتی عنوان یک برنامه درسی، از طریق شورای عالی آموزش و پرورش، به این سازمان ابلاغ می‌شود، با توجه به موضوع درس، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، مسئولیت برنامه‌ریزی و تألیف کتاب درسی مورد نظر را به گروه درسی مربوطه واگذار می‌کند. در هر گروه درسی، ما حداقل یک شورای برنامه‌ریزی داریم متشکل از یک کارشناس مسئول گروه، یک برنامه‌ریز درسی، یک یا دو استاد دانشگاه متخصص در محتوای موضوع درس مورد نظر، یک یا دو نفر از نمایندگان دبیران و یک صاحب‌نظر در مسایل روان‌شناسی.»

«این شورا در مرحله اول، اهداف درس مورد نظر را تدوین می‌کند و سپس محتوا انتخاب و سرفصل‌ها تنظیم می‌شود. در مرحله سوم، روش‌های تدریس مورد نظر برای آن درس پیش‌بینی می‌شود و بعد از آن، منابع لازم برای تألیف کتاب درسی گردآوری می‌شود. در مرحله پنجم، زمان مورد نظر برای آموزش این کتاب پیش‌بینی و سپس شیوه‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان بررسی می‌شود. در مرحله آخر، پیش‌بینی کتاب معلم و سایر منابع مورد نیاز انجام می‌پذیرد. این مراحل مربوط به تألیف کتاب درسی جدید است. عناوین درسی‌ای که کتاب‌های لازم برای آن‌ها از قبل تألیف شده است نیز در این دفتر، در گروه‌های مربوطه به خود مرتب مورد بازنگری قرار می‌گیرد.»

پس از تحویل صفحات خبر، برای حروفچینی به اداره کل چاپ و توزیع کتاب درسی، مرحله آماده‌سازی کتاب شروع می‌شود. معاونت فنی اداره چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، در مورد

آماده‌سازی کتاب‌های درسی می‌گوید: «هزینه‌های موجود برای آماده‌سازی کتاب‌های درسی، به مراتب کم‌تر از بخش خصوصی است. ضمناً عامل زمان و در اختیار بودن تجهیزات، به عنوان یک سرمایه همیشگی نیز مهم است. تجهیزات و نیروی انسانی متخصص موجود در دفتر چاپ و توزیع، در حد بسیار مطلوبی است و در برخی موارد که نیاز باشد، از نیروی متخصص خارج از سیستم موجود استفاده می‌شود.»

چاپ کتاب‌های درسی، از آن نوع کارهای چاپی است که همه مردم ایران در انتظار آن هستند. به جرأت می‌توان گفت که هیچ کار چاپی دیگری از چنین حساسیت و اهمیتی برخوردار نیست. از نظر حجم کار و برنامه‌ریزی و زمان‌بندی تولید و نیز چگونگی توزیع، کتاب‌های درسی را باید یک مورد منحصر به فرد به حساب آورد. نزدیک به ۱۰ میلیارد دور ماشین دوورقی، حجم کار چاپی است که در تمام سال جریان دارد تا ۴۵ میلیون تن کاغذ و مقوا با ۲۲۰ تن مرکب چاپ و به صورت ۱۷۰ میلیون جلد کتاب درسی تولید شود و سپس در سراسر کشور پهنای ایران، به دست دانش‌آموزان برسد.

منبع

- ۱- سجیدی، موسی: «تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران (از دارالفنون تا به امروز)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۴.
- ۲- «امسال سفارش کتاب درسی هم برای چاپخانه‌ها کم‌تر شده بود»، صنعت چاپ، سال ۱۶، شماره ۱۸۸، مرداد ۱۳۷۷.
- ۳- «کتاب درسی چگونه تهیه می‌شود؟» چاپ و انتشار، سن ۳۶۸ (کتابخانه مرجع)